



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در زبان شناسی همگانی

موضوع

نقش نماهای کلامی در فارسی و انگلیسی

استاد راهنما

جناب آقای دکتر محمد دبیر مقدم

استاد مشاور

جناب آقای دکتر مصطفی عاصی

نگارش

پروانه فخام زاده

سال تحصیلی: ۷۵-۱۳۷۴

چکیده

این پژوهش تحلیلی مقایسه‌ای بر روی نقش نماهای کلامی در فارسی و انگلیسی است. توصیف سخن کاوی، وانسجام و نقش نما بر مبنای کتاب‌های «انسجام در زبان انگلیسی» اثر هلیدی و حسن (۱۹۷۶)، و «نقش نماهای کلامی» نوشته خانم شیفرین (۱۹۸۷) انجام گرفته است. با تعریف انواع عوامل انسجامی معادل‌های فارسی آن‌ها نیز ارائه و اطلاعات مربوط به این عوامل از متن‌های انگلیسی و ترجمه‌های فارسی آن‌ها استخراج شده است و در نهایت یکی از این عوامل که به عنوان نقش نمای کلامی مطرح می‌شود (یعنی اُه) برگزیده شده و حاصل تطبیق آن در متن‌های هر دو زبان عبارت از این است که: هنگام ترجمه این نقش-نما به فارسی، ترجمه همه موارد وقوع آن لزومی ندارد و در بسیاری از موارد می‌توان از معادل‌هایی مناسب که «معمولا» در فارسی به کار می‌روند استفاده، و یا حتی در مواردی که به متن لطمه نمی‌خورد آن را حذف کرد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیش گفتار فصل اول
۳	سخن کاوی
۵	نظریه کنش گفتاری
۸	فرضیه استنباطی گرایس
۱۰	انسجام
۱۲	ارجاع
۱۴	جایگزینی
۱۵	حذف
۱۶	عوامل ربطی
۱۸	انسجام واژگانی

فصل دوم

۲۱	انسجام ، عوامل ربطی
۲۲	برابر های ساختاری عوامل ربطی
۲۴	ایزارهای عوامل ربطی در فارسی
۲۵	انواع عوامل ربطی
۲۶	رابطه افزایشی
۲۶	رابطه وارون ساز
۲۷	رابطه سببی
۲۸	رابطه زمانی

فصل سوم

۳۳	انواع عواملی ربطی
۳۴	عوامل ربطی معرفی شده در کتاب « انسجام در زبان انگلیسی » اثر هلیدی و حسن
۳۵	رابطه افزایشی
۳۶	ساده
۳۷	تعریف ساختاری « و »
۴۰	ساده منفی
۴۰	معادل ساختاری
۴۱	ساده گزینشی
۴۲	تعریف ساختاری « یا »

۴۳	تأکیدی همبافته
۴۵	تأکیدی همبافته گزینشی
۴۶	غیر تأکیدی همبافته
۴۶	برای بیان مطلبی که ناگهان به ذهن می رسد
۴۸	بدل
۴۸	تعریف ساختاری بدل
۴۸	بدل افزایشی
۴۹	بدل توضیحی
۵۰	بدل تمثیلی
۵۲	تشبیهی
۵۲	تشبیهی همانند
۵۳	تشبیهی مختلف
۵۵	رابطه وارون ساز
۵۶	ساده
۵۸	تأکیدی
۶۰	تباینی اقراری
۶۱	تباینی ساده
۶۳	تباینی تأکیدی
۶۴	تصحیحی
۶۴	تصحیح معنا

صفحه	عنوان
۶۵	تصحیح واژگان
۶۷	انفصالی بسته
۶۸	انفصالی باز
۷۰	رابطه سببی
۷۱	عام ساده
۷۲	عام تأکیدی
۷۳	خاص
۷۳	خاص در مفهوم « دلیل »
۷۴	خاص در مفهوم « نتیجه »
۷۴	خاص در مفهوم « هدف و منظور »
۷۶	معکوس
۷۷	خاص معکوس
۷۸	شرطی
۷۸	تعریف ساختاری وجه شرطی
۷۹	شرطی ساده
۷۹	شرطی تأکیدی
۸۰	شرطی تعمیم یافته
۸۱	شرطی با قطب معکوس
۸۲	برگشتی

۸۲	برگشتی مستقیم
۸۳	برگشتی باقطب معکوس
۸۴	رابطه زمانی
۸۵	ترتیبی (برون زبانی)
۸۷	همزمانی
۸۸	پیشین
۸۹	فرجامی (برون زبانی)
۸۹	فرجامی ساده
۹۱	همبسته (برون زبانی)
۹۱	همبسته ترتیبی (برون زبانی)
۹۲	همبسته فرجامی (برون زبانی)
۹۳	همبافته
۹۳	همبافته با معنای افزوده بی درنگ
۹۴	همبافته با معنای افزوده زمان گسیخته
۹۶	همبافته با معنای افزوده تکرار
۹۷	همبافته با معنای افزوده رأس زمانی خاص
۹۸	همبافته با معنای افزوده ای که طول زمان را نشان می دهد
۹۸	همبافته با معنای افزوده در مفهوم انتهای زمان
۹۹	همبافته با معنای افزوده لحظه ای مشخص
۱۰۱	ترتیبی (درون زبانی)

۱۰۲	فرجامی (درون زبانی)
۱۰۳	همبسته (درون زبانی)
۱۰۳	همبسته ترتیبی (درون زبانی)
۱۰۵	همبسته فرجامی (درون زبانی)
۱۰۷	این جایی و حالایی
۱۰۷	در زمان گذشته
۱۰۸	در زمان حال
۱۰۹	در زمان آینده
۱۱۰	چکیده
۱۱۱	بازگشتی

فصل چهارم

۱۱۲	نقش نماهای کلامی
۱۱۲	معادل ساختاری
۱۱۲	نقش نمای انسجامی
۱۱۹	معادل های ساختاری در فارسی

فصل پنجم

۱۲۰	نقش نمای « اوه »
۱۲۱	معادل ساختاری

صفحه	عنوان
۱۲۳	<i>oh</i> برای ترمیم گفتگو
۱۲۵	<i>oh</i> در توالی پرسش، پاسخ، تصدیق
۱۲۶	<i>oh</i> در پرسش
۱۲۶	<i>oh</i> در پرسشی که ناگهان به ذهن می رسد
۱۲۷	<i>oh</i> در پاسخ
۱۲۸	<i>oh</i> در تصدیق
۱۲۸	<i>oh</i> در بیان دریافت اطلاعات
۱۲۹	<i>oh</i> در تقاضا
۱۳۲	شواهد
۱۳۳	۱- اوه (آه ، اه) درنمایشنامه ها وفیلمنامه های ایرانی
۱۴۲	۲- <i>oh</i> در داستان « آلیس در سرزمین عجایب »
۱۶۷	۳- <i>oh</i> در نمایشنامه « درانتظارگودو »
۱۸۳	نتیجه
فصل ششم	
۱۹۷	خلاصه مطالب
۲۰۲	واژه نامه انگلیسی - فارسی
۲۱۰	واژه نامه فارسی - انگلیسی
۲۱۹	کتابنامه

پیش‌گفتار

ما به عنوان سخن‌گویان زبان، مطالبی را که می‌خوانیم و یا می‌شنویم، درک می‌کنیم و کلام پیوسته را از سخنان پراکنده تشخیص می‌دهیم. این که چگونه موفق به انجام این کار می‌شویم پرسشی است که سخن‌کاوی (تجزیه و تحلیل کلام) به آن پاسخ می‌دهد.

منسجم بودن کلام یکی از دلایلی است که ما را قادر می‌سازد تا باموفقیت در گفتگو شرکت کنیم، و این امر، یعنی انسجام، به کمک عواملی صورت می‌گیرد.

تجزیه و تحلیل این نوع عوامل برای ما روشن می‌کند که چگونه نویسندگان یا گویندگان آنچه را که می‌خواهند بنویسند و یا بگویند تنظیم می‌کنند و نیز ما را قادر می‌سازد تا بین نوشته‌های خوب و بد تمایز قایل شویم.

این امکان وجود دارد که عوامل پیوستگی ساختاری از زبانی به زبان دیگر متفاوت باشد و در این صورت هنگام برگرداندن متن از زبان مبدأ به زبان مقصد بامشکلات فراوانی مواجه خواهیم شد.

در این پژوهش ضمن این که سخن‌کاوی و انسجام و عوامل ربطی و نقش نماها را بررسی می‌کنیم به مقایسه این عوامل در فارسی و انگلیسی نیز خواهیم پرداخت تا معادل‌های دقیقی برای آن‌ها در فارسی ارائه کنیم و در نتیجه شاهد تعادل هر چه بیشتر در ترجمه باشیم. به علاوه با آوردن مثال‌هایی از متن‌های فارسی، خط‌مرز نسبتاً مشخصی بین عوامل ربطی و هم‌تاهای ساختاری آن‌ها می‌کشیم. دامنه این پژوهش گسترده‌تر از آن است که در اینجا مطرح می‌شود، و

تکمیل آن نیاز به وقت بسیار دارد که متأسفانه از گنجایش این پژوهش بسیار فراتر وامری است که در فرصتی مناسب تر به آن پرداخته خواهد شد.

این تحقیق بدون راهنمایی ها و آموزش های خالصانه استادان بزرگوار و گرانقدرم آقایان دکتر محمد دبیرمقدم، استاد راهنما، و دکتر مصطفی عاصی، استاد مشاور، به این پایه امکان پذیر نبود، پس شایسته است که در این جا، از همه محبت هایشان صمیمانه سپاس گذاری کنم.

پروانه فخرام زاده

فصل اول

سخن کاوی^۱

« بزرگ‌ترین واحد مطالعه زبان جمله است ». این فرضی است که زبان شناسی سنتی و تمام نظریه های صورت‌گرا همچون نظریه حاکمیت و وابستگی^۲ به آن معتقد هستند و در مطالعات زبان شناختی خود آن را مبنا قرار داده اند.

اصطلاح *Discourse*^۳ اولین بار در مقاله *Discourse Analysis (1952)* نوشته زلیگ هریس^۴ به کار رفت. هریس در این مقاله دیدی صورت‌گرایانه به سازه‌های بزرگ تر از جمله دارد. این اولین و آخرین باری است که این اصطلاح به این صورت مطرح شده است. زبان شناسان دیگر آن را در معنای متفاوتی به کار برده‌اند، بعضی برای زبان نوشتار و گروهی برای زبان گفتار، افرادی نیز مانند ویدوسن^۵ و هوی^۶ از آن، هم برای زبان نوشتار و هم زبان گفتار استفاده می‌کنند.

اگر چه سخن کاوی، ساختمان زبان گفتار - مانند گفتگوها، مصاحبه‌ها، تفسیرها و سخن -

1- DISCOURSE ANALYSIS

2- GOVERNMENT AND BINDING

۳- از این پس، در این متن، واژه «گفتمان» معادل واژه DISCOURSE خواهد بود.

4- ZELIG HARRIS

5- WIDDOWSON

6- HOEY

رانی‌ها- و متن کاوی^۱ ساختمان زبان نوشتار - مانند مقاله‌ها و داستان‌ها - را بررسی می‌کند، ولی نمی‌توانیم مرز مشخصی میان این دو تقسیم بندی بکشیم، پس در اینجا نیز سخن کاوی را در معنی گسترده‌تری به کار خواهیم برد تا همه واحدهای زبانی را، که نقش روشن ارتباطی دارند - چه نوشتاری و چه گفتاری - دربرگیرد تا بتوانیم زبان را بعنوان یک پدیده پویای اجتماعی - ارتباطی مورد بررسی قرار دهیم، چه گوینده - شنونده مطرح باشند و چه نویسنده - خواننده. براون^۲ و یول^۳ (۱۹۸۳) می‌گویند: «کاویدن سخن، لزوماً کاویدن زبان در کاربرد است. پس نمی‌تواند محدود به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از هدف‌ها و نقش‌هایی باشد که برای خدمت به انسان طراحی شده است». (شیفرین، ۱۹۸۷، ص ۱) و استابز^۴ (۱۹۸۳) می‌گوید: «تلاش برای مطالعه ساز و کار زبان، در شرایط فراجمله‌ای یا فرا عبارتی - یعنی واحدهای زبانی بزرگ‌تر - مانند متن‌های گفتاری یا نوشتاری، نشانگر این است که سخن کاوی با کاربرد زبان در بافت اجتماعی و به ویژه با گفتگو و محاوره بین گویندگان مرتبط است». (شیفرین، ۱۹۸۷، ص ۱)

محققین بسیاری از رشته‌های علوم اجتماعی - انسانی در جستجوی واحدها و ساخت‌های بزرگ‌تر زبان شناختی بوده و هستند. از جمله زبان‌شناسان در پی یافتن مشخصه‌های زبانی جمله‌های متوالی‌اند؛ قوم‌شناسان^۵ و جامعه‌شناسان انعکاس ساختار روابط اجتماعی را در

1- TEXT ANALYSIS

2- BROWN

3- YULE

4- STABBS

5- ETHNOGRAPHERS

گفتگوها مورد مطالعه قرار می دهند؛ مردم شناسان¹ ساختمان اسطوره ها و حکایت های مردمی را بررسی می کنند؛ و روان شناسان جریان های تکوینی مغزی مستتر در هنگام دریافت پیام را مورد آزمایش قرار می دهند. سخن کاوی برخاسته از نتایج چنین گرایش های نوینی در علوم بوده است.

نظریه کنش گفتاری²

آستین³ فیلسوف انگلیسی، اولین کسی بود که به نقش های فعل، و به تبع آن جملات، در جریان گفتار اشاره کرد. به گفته او فعل در بسیاری موارد فقط مبادله اطلاعات نمی کند بلکه معادل است با خود عمل. برای نمونه وقتی که شخصی می گوید: «معذرت می خواهم»، «قول می دهم»، «من این کشتی را ... می نامم»، فعل بلافاصله یک واقعیت روانی یا اجتماعی را می رساند. عمل عذرخواهی درست موقعی به وقوع می پیوندد که شخص «معذرت می خواهم» را به زبان می آورد، و نه قبل از آن. کشتی درست در لحظه ای دارای نام می شود که گفته «من این کشتی را ... می نامم» کامل شود. در چنین مواردی، گفتن برابر با کنش است و گوینده با برزبان آوردن جمله، کاری را انجام می دهد. آستین این فعل ها را کنش⁴ می نامد، و آن ها را کاملاً متفاوت از فعل هایی می داند که اطلاعات را به صورت غیر کنش⁵ ارائه می دهند.

1- ANTROPOLOGISTS

2- SPEECH ACT THEORY

3- J.LAUSTIN

4- PERFORMATIVE

5- CONSTATIVE

(کریستال، ۱۹۸۹، ص ۱۲۱). برای نمونه فعل می خورم کنشی نیست، زیرا گوینده تنها با بیان آن، عمل خوردن را انجام نمی دهد. فعل های کنشی، صفت صحیح یا غلط به خود نمی گیرند، مثلاً وقتی یک نفر می گوید: «من این کشتی را ... می نامم.» دیگری نمی تواند بگوید: «این غلط است». ولی اگر کسی بگوید: «او معذرت می خواهد» دیگری می تواند بگوید: «غلط است.» زیرا امکان این که او معذرت نخواسته باشد وجود دارد.

در تجزیه و تحلیل کنشی گفتار^۱، با استفاده از تمایزی سه گانه اثر فعل را مطالعه می کنیم:

۱- کردار بیانی^۲: معنایی است که فعل (جمله) القا می کند.

۲- کردار منظوری^۳: عمل حاصل از جمله است که گوینده بیان می کند. به عبارت دیگر

قصد گوینده است.

۳- کردار تأثیری^۴: تأثیری است که گوینده سعی می کند با بیان جمله خود بر شنونده

بگذارد، شنونده را ترغیب یا مجبور به کاری کند و یا او را از کاری بترساند.

در این جا باید به این نکته اشاره کنیم که کردار منظوری و کردار تأثیری برهم منطبق نیستند.

مثلاً ممکن است شخص الف در مورد یک اتفاق خاص به شخص ب اخطار بدهد، یعنی کردار

منظوری انجام گرفته است، ولی شخص ب به این اخطار توجهی نمی کند، که در این صورت

حاصل کردار تأثیری، منفی و خلاف خواسته گوینده خواهد بود.

هزاران امکان برای کردار های منظوری وجود دارد. با وجود اشکالات بسیار در طبقه بندی

1- SPEECH ACT ANALYSIS

2- LOCUTIONARY ACT

3- ILLOCUTIONARY ACT

4- PERLOCUTIONARY ACT

آن ها - به دلیل آشکار نبودن قصد گوینده و نیز عدم تمایز صریح معنای بسیاری از فعل ها - تلاش های فراوانی در این زمینه صورت گرفته است.

سرل^۱ (۱۹۷۶) پنج نوع کردار منظوری را مطرح کرده است:

- ۱- بازنما^۲: فعل هایی که با بیان آن ها، گوینده مسئول بیان درستی گزاره ای است. مانند شهادت دادن، اعتقاد داشتن، نتیجه گرفتن، تکذیب کردن، گزارش دادن.
 - ۲- جهت بخش^۳: فعل هایی که با بیان آن ها گوینده سعی می کند تا شنونده را مجبور به کاری کند. مانند تقاضا کردن، دعوت کردن، فرمان دادن، پافشاری کردن، خواهش کردن.
 - ۳- تعهدی^۴: فعل هایی که با بیان آن ها گوینده - به درجات مختلف - متعهد به انجام کاری می شود. مانند ضمانت کردن، تعهد کردن، قول دادن، سوگند خوردن، عهد کردن.
 - ۴- بیانی^۵: فعل هایی که با بیان آن ها گوینده، حالتی را در مورد موضوعی بیان می کند. مانند عذرخواهی، اظهار تأسف، تهنیت، تشکر، خوشامد.
 - ۵- اعلامی^۶: فعل هایی که با بیان آن ها گوینده، موقعیتی را به وسیله کلام تغییر می دهد. مانند استعفا دادن، تعمیم دادن، اخراج کردن، اعلام جنگ کردن. (کریستال، ۱۹۸۹، ص ۱۲۱)
- اهمیت ویژه نظریه کنشی زبان، افزودن بعد جدید شرایط اجتماعی و محیطی به مطالعات زبانی است و این بعد، عمده ترین ره آورد نظریه کنشی زبان به سخن کاوی محسوب می شود.

1- SEARLE

2- REPRESENTATIVE

3- DIRECTIVE

4- COMMISSIVE

5- EXPRESSIVE

6- DECLARATION

فرضیه استنباطی^۱ گرایس^۲

این فرضیه نقش ارتباطی جمله ها را بررسی می کند و از این نظر در پیدایش سخن کاوی جایگاه ویژه ای دارد. براساس فرضیه گرایس، دلیل پیشرفت جریان مکالمه، تبعیت انسان ها از قراردادهایی است که به قصد همکاری هرچه بیشتر صورت می گیرد. گرایس این قراردادها را آیین همکاری^۳ می نامد و چهار اصل رادر آن معرفی می کند:

۱- اصل چونی^۴: گوینده در یک مکالمه باید راست بگوید، آنچه را که فکر می کند دروغ است نگوید، و درباره آنچه اطلاعات کافی ندارد حرف نزند.

۲- اصل چندی^۵: گوینده باید اطلاعاتی بدهد که برای اهداف مکالمه لازم است. نه زیادی حرف بزند و نه کم.

۳- اصل مناسبت^۶: آنچه گوینده می گوید باید مربوط به موضوع باشد.

۴- اصل روش^۷: گوینده باید واضح، منظم، و خلاصه بگوید و از ابهام دوری کند.

(کریستال، ۱۹۸۹، ص ۱۱۷)

باتوجه به اطمینان هر دو طرف به رعایت آیین همکاری، هرگونه تخلف ظاهری از هر یک از اصول بالا نشانه هدف داری تلقی می شود که مخاطب رابه دنبال استنباط پیام و معنایی به جز آنچه که در صورت جمله ادا شده است هدایت می کند. برای نمونه به این مکالمه توجه می کنیم:

1- IMPLICATURE HYPOTHESIS

3- CO-OPERATIVE PRINCIPLE

5- MAXIM OF QUANTITY

7-MAXIM OF MANNER

2- GRICE

4- MAXIM OF QUALITY

6- MAXIM OF RELEVANCE

الف : « کتاب ها را آوردی ؟ »
ب : « آقای نوری باز مسموم شده »

پاسخ ب به پرسش الف ظاهراً بی ربط است. پاسخ « کتاب ها را آوردی » می تواند بله ، یا خیر باشد ، ولی با توجه به بافت سخن می توان گفتگو را چنین توجیه کرد : الف و ب همکار هستند و قرار بوده است ب تعدادی کتاب از کتابدار که آقای نوری است بگیرد و به همکار خود بدهد. ولی از آن جا که آقای کتابدار معمولاً " به بهانه مسمومیت سرکار حاضر نمی شود، و هر دو نفر این را می دانند، پس ب اشاره می کند به این که آقای نوری دوباره سرکار نیامده، بنابراین کتابخانه تعطیل است و کتاب هم نمی شود گرفت ، پس ب هم کتاب ها را نیاورده است.

البته در ارتباط روزانه گاهی اشتباه در فهم مطلب پیش می آید که اغلب به دلیل پیش فرض گوینده درباره دانسته های مخاطب است. در این زمان، ارتباط ممکن است قطع شود یا به کمک سؤال یا توضیح اضافی مثل : « من که گفتم » و « ببخشید » اصلاح شود. برای نمونه :

الف : « بستنی خوردید ؟ »
ب : « گفتم که عاشق ندارم . »
الف : « ببخشید، فراموش کرده بودم . »

انسجام^۱

در مطالعات سخن کاوی به دو عامل کلی در کاربرد زبان اشاره می شود: ۱- بافت غیر زبان^۲، ۲- بافت-متنی^۳، منظور از بافت متنی این است که یک عنصر زبانی در چهارچوب چه متنی قرار گرفته و جملات ماقبل و مابعد آن عنصر در داخل متن چه تأثیری در تبلور صوری، نقشی و معنایی آن دارد. در این مطالعات، روابط بین جمله‌ای متن را انسجام مقنی^۴ می نامند.

آغاز حرکت در این خط در آثار زبان شناسان مکتب پراگ و مالینوسکی^۵ (۱۹۲۳)، ماتیوس^۶ (۱۹۲۸)، بارتلت^۷ (۱۹۳۲) و فرث^۸ (۱۹۳۵)، بنیان گذار مکتب لندن، مشاهده می شود. (لطفی پور ساعدی، مجله زبانشناسی، ۱۳۷۱، ص ۳۰)

هلیدی^۹ و حسن^{۱۰} نیز در ساختمان متن و روابط بین جمله‌ای زبان انگلیسی مطالعه کرده‌اند. هلیدی و حسن (۱۹۷۶، ص ۱) می گویند: «اگر یک انگلیسی زبان مطلبی متشکل از بیش از یک جمله را بخواند یا بشنود، به راحتی می تواند بگوید که آیا این مطلب متن است یا فقط مجموعه‌ای از جمله های نامربوط. «آن ها در مبحث انسجام به این نکته می پردازند که چه چیزی می تواند تفاوت بین این دو نوع از متن را نشان دهد. از نظر هلیدی و حسن کلمه متن در زبان شناسی، ترکیبی از جمله ها و واحدهای بزرگ تر از جمله است که به شکل نوشتاری یا

1- COHESION

3- CO-TEXT

5- MALINOWSKI

7- BARTLET

9- HALLIDAY

2-CONTEXT

4- TEXTUAL COHESION

6- MATHESIUS

8- FIRTH

10- HASAN

گفتاری، مجموعه کاملی را ایجاد می‌کند. متن نوعی فراجمله^۱ است که در نوع، متفاوت با جمله و در اندازه، می‌تواند بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از جمله باشد. متن واحدی معنایی است و انسجام یکی از شرایط متن سازی. انسجام مجموعه‌ای از روابط معنایی درون متنی است که به فهم متن کمک می‌کند، انسجام تداوم معنا را در بین قسمت‌های یک متن برقرار می‌کند. هلیدی و حسن ابزارهای آفریننده انسجام متن را در زبان انگلیسی به دو بخش تقسیم کرده‌اند: ۱- انسجام دستوری^۲. ۲- انسجام واژگانی^۳.

منظور از انسجام دستوری این است که ساخت جملات و دستور یک زبان باعث انسجام متن در آن زبان گردد، مانند جایگزین کردن یک ضمیر به جای اسم. یعنی از طریق دستور، ضمیر به مرجع خود ارجاع داده می‌شود و باعث انسجام در میان جمله‌های یک متن می‌گردد. برای نمونه:

« ابوالقاسم خان جواب نداد. از جیبش یک کتاب کوچک در آورد. گذاشت روی میز. چشمهایش را به هم زد و گفت» (دانشور، ۱۳۵۶، ص ۲۵)

در این جا ضمیرهای ش و یش به مرجع خود ابوالقاسم خان در جمله قبلی ارجاع داده می‌شود و از این طریق، که دستوری است، به جمله قبلی پیوند می‌خورد و منسجم می‌گردد.

1- OVER SENTENCE

2- GRAMMATICAL COHESION

3- LEXICAL COHESION